

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

By Dirk Kurbjuweit

برگردان از: داکتر کبیرزاده

۱۴ اگست ۲۰۱۲

طیاره های بی پیلوت "انسانی"،

مضحک ترین و وحشیانه ترین سلاح عصر حاضر

از آنجایی که اردوی المان تلاش دارد تا به تکنالوژی طیاره های بی پیلوت دسترسی یابد، برماست تا نگذاریم خود مان را فریب دهیم که یک طیاره بدون سرنشین را یک سلاح انسانی خطاب کنیم. خلاف انتظار، آنان ماهیت اصلی جنگ را با قساوت و وحشیگری آن بیان می کنند. یک حمله کننده انتحاری تصمیم می گیرد تا ۱۰۰ در صد خود را فداء کند. اما از سوی دیگر با استفاده از طیاره های بدون پیلوت، خطر کشته شدن یک پیلوت به صفر تقرب می کند. جنگ غرب علیه دهشت افگنی اسلامی در حال حاضر میان این دو اولویت متناقض راه اندازی شده است. هیچ چیزی نشاندهنده تر از عدم تقارن جنگ نبوده و هیچ چیزی همانند فرهنگی که راه اندازی شده، نمادی نیست. این نبرد میان دو گروه راه اندازی شده است. یکی خواهان از دست دادن هر آنچه‌ای که دارند است و دیگری نمی خواهد هیچ چیز خود را از دست دهد. جنگ میان فداکاری و راحتی، جسم ها در برابر تکنالوژی و خطر در برابر تحفظ و ایمنی. همانند هر سلاح دیگری، طیاره بدون پیلوت، ناشی از نیاز و قدرت غرب بوده است. اگر راحتی، تکنالوژی و تحفظ را کنار بگذاریم، این طیاره ها نشاندهنده ادعای روحیه ئی نیز می باشد. در جهان سلاح و تسلیحات، در اولین نگاه، طیاره های بدون پیلوت را سلاح خوبی تلقی می کنند. این سلاح در یک جناح هیچ تلفاتی را در بر ندارد و در جناح دیگر به خاطر شلیک میزایل های دقیق و کارگذاری شده اش، چندین نفر را از بین می برد. وزارت دفاع المان که در حال حاضر از طیاره های بدون پیلوت تنها برای مقاصد شناسایی استفاده می کند، در این اواخر تأیید کرده است که اردوی المان، "بودنس ویر"، سؤال خریداری طیاره جنگی بدون پیلوت را بازنگری می کند. دلیل آن اینست که المان دقت بیشتری را در مسایل جنگی به خرج می دهد لذا طیاره بدون پیلوت سلاح ایده آلی برای آن کشور خواهد بود.

اما واقعاً طیاره بدون پیلوت سلاح خوبی است؟ در حقیقت، این سلاح، سوالات اخلاقی را در ارتباط با غرور و افتخار، انسانیت و قانون به وجود آورده است.

حفظ فاصله در درگیری ها

در تاریخ جنگ ها، یک بر چهارم درگیری ها نجیب و صادقانه تلقی شده اند. این امر تقاضای نیرو، قدرت و جرأت را می کند. آنانی که ضعیف تر و محتاط تر اند، ترجیح می دهند تا فاصله خود را حفظ کرده و دوری اختیار کنند. در بایبل آمده است که داوود به خاطری قادر به شکست جالوت شد چون تیر و کمانش او را قادر ساخت تا از آن هیولای زمان دور نگهدارد.

تیرها، کمان ها، تفنگ ها و توپ و توپخانه ها به خاطری اختراع شده اند تا طرفین درگیر بتوانند از یک دیگر فاصله اختیار کرده و به ضعیف تر فرصت دیگری را هم فراهم کنند. اما حتی همین سلاح نیز به عساکر و سربازانی نیاز دارد تا خود را در معرض خطر قرار دهند. این عساکر باید در میدان جنگ حضور فیزیکی داشته و برای نبرد های رویاروی و نزدیک مسلح باشند.

طیاره، حتی این فاصله را میان رقبا و طرفین درگیر جنگ بیشتر ساخته است اما همان پیلوت است که باید جرأت نشان داده و خود را در معرض آتش و شلیک گلوله دشمن قرار دهد. پیلوت باید بالای ترس و هراس سقوط طیاره فایق آید.

میزایل ها گام بزرگ دیگری در راستای پیشرفت بود. آنان با اختراع میزایله عملیات سلاح را در دفاتر انتقال دادند. به گونه ای که حتی افراد بالای چوکی های چرخ دار نیز می توانند عملیات را رهبری کرده و آن را به پیش برند. در عصر و زمان سلاح اتمی، این عساکر با خطر احتمالی حملات متقابل مواجه شده اند که هر یک را در خطر انداخته است. آنان نه به جرأت نیاز دارند نه به قدرت و نه به توانائی. تنها کاری را که یک نفر باید انجام دهد، فقط فشار دادن یک دکمه است و بس.

پیلوت هائی که طیاره های بدون پیلوت جنگی را - که در مناطق وزیرستان شمالی عملیات می کنند - از دفاتر شان در ایالات متحده کنترول و رهبری می کنند، با خطرات احتمالی کمتری مواجه اند. یک حمله کننده انتحاری به خاطر انتقام گیری از آنان باید خود را به پایگاه شان برساند که این امر بعید به نظر می رسد. با توجه به مفاهیم سنتی مبارزه، جنگ بر پا شده توسط طیاره بدون پیلوت، یک جنگ بزدلانه می باشد. در این معادله جنگ، ترسو همانی است که خطر کمتری را در برابر حریفی که خطر احتمالی بیشتری را به جان می خرد، متقبل می شود.

افتخار و غرور جنگجویان

در جهان مبارزان اسلامگرا یا دهشت افگنان همانا مفاهیم کهنه و قدیمی قابل استفاده می باشد. آنچه به عنوان فضیلت های جهانی مرد تلقی می شود - جرأت، تمایل به مبارزه و آمادگی برای فداکاری و خود گذری (به عبارت دیگر، غرور جنگجو و مبارز)، تا هنوز هم در آن جهان غالب است.

یک حمله کننده انتحاری شاید خود را دقیقاً با همین عبارات مشاهده می کند. از سوی دیگر، او نیز بزدل و ترسو است به خاطری که اکثر اوقات افراد غیر نظامی را هدف قرار می دهد.

در بخش هائی از جهان اسلام، طیاره های بدون پیلوت بیان کننده بد رفتاری و شرارت غرب بوده و هر حمله جدید و تازه، خشم و انزجار بیشتر مردم را بر می انگیزد. برای آنان، این امر زیون و مطرود است که یک ماشین یک کار

خطرناکی را در حالی به اتمام می رساند که هیچ انسانی در آن دخیل نمی باشد. اما این امر برای غرب مایه نگرانی نمی باشد. یک انکشافی است که دیگر فضیلت مرد کهن، بر جامعه تسلط نمی داشته باشد.

پس طیاره های بدون پیلوت از نقطه نظر ارزش های قدیمی یک سلاح بزدلانه بوده و در عین حال آنقدر تفاوت هم نمی کند. هدف امروزی به دست آوردن پاسخ های افتخارآمیز در برابر آزمون ها نبوده بلکه پاسخ های هوشمندانه را باید به دست آورد. یک پیلوت یا هدایت کننده طیاره بدون سرنشین می تواند در حقیقت از تکنالوژی و حيله گری غرب افتخار کند.

از مدت زمان طولانی به اینسو بحث روی این موضوع جریان دارد که آیا امکان تولید سلاح انسانی وجود دارد. یا به عبارت دیگر، امکان آن وجود دارد تا سلاحی را تولید کرد که به گونه ای عاملان یا هدایت کنندگان آن را حفاظت کند یا این که به قربانیان یا اهداف آن آسیب کمتری برساند؟ در این مبحث واژه انسانی یک مفهوم دقیق نبوده بلکه می تواند نسبی باشد. واژه ای که به یک سلاح راجع شود که در مقایسه با سایر سلاح ها کمتر ناگوار و تخریب کننده باشد.

ماشین کشتار "خوب"

انسانی ترین جنبه طیاره های بدون پیلوت اینست که عساکر جناح خودی اش را حفاظت می کند. خوشبختانه، غرب به طور وسیعی فرقه های فداکارانه ئی را حذف کرده است. در حال حاضر این مفکوره رایج است که هر قدر طولانی تر می توانی زندگی کن. دانش نظامی انسان ها را از محاربه دور نگهداشته و به جای آن از روابط یا آدمک های میخانیکی استفاده صورت می گیرد. طیاره های بدون سرنشین، منادی و پیشرو جنگ های آینده است که قرار است در آنها خون کمتری ریخته شود.

المان مخصوصاً زمانی که موضوع مرگ عساکرش به میان آید، بیشتر حساس می باشد. وقتی آرامی باشد، هیچ کسی در مورد مأموریت اردوی المان در افغانستان از خود علاقه مندی و دلچسپی نشان نمی دهد. اما همین که تلفات عساکر المانی رخ می دهد، تقاضا ها برای خروج عساکر از افغانستان بلند می شود. به این لحاظ طیاره های بدون پیلوت جنگی می تواند فشار روحی موجود بر روان جمعی از المانی ها را کاهش دهد.

اصل قضیه مخصوصاً در این نکته نهفته است که طیاره های بدون پیلوت ساحه تخریبی کمتری را در اطراف اهداف خود به جا می گذارد. این طیاره ها می توانند با شلیک میزایل ها، اهداف مشخص خود را با دقت بیشتری نشانه گرفته و رقم تلفات را به صورت نسبی پائین نگهدارد.

طیاره های بدون پیلوت برای ساسیتمداران که طبیعت انسان دوستانه و ملایم دارند [تاریخ تمام جنگها بطلان چنین ادعائی را به اثبات می رساند چه آنها جنایتکاران و قاتلانی اند که در کمال خونسردی و بدون آن که کمترین تغییری در لهجه آنها به وجود آید، آدم کشته به علاوه خانواده ها مدنیت ها را نیز از بین می برند- ویراستار پورتال]، و سوسه بر انگیز است. جورج دبلیو بوش رئیس جمهور سابق ایالات متحده که شامل این کتگوری و گروه نمی شد، در فاصله زمانی چهار سال اخیر ریاست جمهوری خود، ۵۲ مرتبه از طیاره های بدون پیلوت در پاکستان استفاده کرد. بارک اوباما، جانشین او که ظاهراً انسان دوستانه تر و ملایم تر به نظر می رسیده، تا حال ۲۸۵ بار از این طیاره ها استفاده کرده است. همانگونه که این طیاره ها مطابق میل و مناسب المان ها است به همانگونه مناسب بارک اوباما نیز می باشد. دلیل آن هم اینست که در مقایسه با سایر سلاح ها، وحشتناک معلوم نشده و موانع قابل استفاده آن نسبتاً کمتر است.

تاریخچه و اسناد غم انگیز سلاح

تا اکنون، مهربان و با شفقت ترین سلاح همان بوده است که از لحاظ قدرت و توانمندی بیشتر مخوف بوده است. میزایل های بالستیک بین المللی، مجهز با سرگلوله اتمی که قادر به از بین بردن مردم یک شهر است. تا حال این سلاح هیچ قربانی نگرفته است به خاطری که کسی جرأت استفاده کردن از آن را ندارد.

از جانب دیگر، بااستفاده از طیاره های بدون پیلوت "خوب" خرابی های غم انگیزی را به بار آورده است. دفتر ژورنالیزم تحقیقاتی مستقر درلندن دریافته است که ایالات متحده از سال(۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲) ۳۳۷ بار بااستفاده از طیاره های بدون سرنشین، بالای پاکستان حملات را انجام داده است. دراین حملات حدود ۲۵۲۴ تا ۳۲۴۷ نفر کشته شده اند. تلفات شامل ۸۵۲ غیر نظامی می شود که ۱۷۵ آنان را اطفال تشکیل می دهد. قربانیان غیر نظامی، بدترین افراد تلفات جنگی را تشکیل می دهند.

میزان بلند تلفات غیرنظامی از این امر ناشی می شود، چون که ایالات متحده در میدان های جنگ از طیاره های بدون پیلوت خود استفاده نمی کند. اما در حالاتی استفاده می کند که در مجاورت کسانی قرار گرفته باشد که دهشت افکن تلقی شود. جای شکی نیست که بعضی اوقات غیرنظامیانی که در حومه مناطق مورد هدف و تیررس میزایل های طیاره های بدون سرنشین قرار می گیرند، زندگی خود را از دست می دهند.

این موضوع، مسأله ای غامض و معمای غیر قابل حلی است که عموم حملات هوایی را در بر می گیرد. به خاطری که غرب خواهان کاهش تلفات افراد نظامی خود می باشد، تلفات غیرنظامیان را منحصی یک عمل شریانه حتمی و لازمی پذیرفته است. یک مثال آن حمله بر تانکر های تیل در سال ۲۰۰۹ در ولایت قندز- افغانستان- است. جورج کلاین دگروال المانی به عوض این که عساکر خود را در منطقه ارسال کند از حمله هوایی استفاده کرد. اگر این دگروال المانی عساکر خود را در منطقه ارسال می کرد، آنان می توانستند ببینند که تانکر ها در ریگ فرورفته و دیگر با خطری مواجه نیستند. در ضمن کسانی که در اطراف آن جمع شده اند، اهالی غیر مسلح قریه بوده و جنگجویان نمی باشند. اما آن اقدام برای المانی ها خطرناک بود و زندگی آنان را با خطر مواجه می ساخت. این دگروال المانی هرگز این عمل را پذیرا نبود. در عوض آن امر حمله هوایی را صادر کرد که در آن بیش از ۱۰۰ نفر جان دادند و اکثر آنان را غیر نظامیان تشکیل می داد.

دستیابی انسانی و دلپذیر به جنگ کار و موضوع نهایت مغلق و پیچیده می باشد. طیاره های بدون پیلوت ظاهراً انسانی و مملو از شفقت و مهربانی به نظر می رسد. اما این تصور تنها وسوسه استفاده از آن را افزایش می دهد. این طیاره ها نیرو های خودی را محافظت می کند اما تهدید بزرگی برای جانب مقابل می باشد که نهایت وحشتناک است. پس به این نتیجه می رسیم که دستیابی به سلاح انسانی و پر شفقت، رفتار های غیر انسانی را به شکل ویژه ای افزایش می دهد.

هوشمندانه اما جبنانه

از پس منظر حقوقی، طیاره های بدون پیلوت می تواند کمتر مشکل افزا باشد. اگر عساکر زیادی در یک مقطع زمانی کوتاهی از بین می روند، نبرد پنداشته شده و بخشی از جنگ تلقی می شود. قانون بین المللی کشتن جنگجویان را در جریان مبارزه اجازه می دهد.

اما آیا استفاده از طیاره های بدون پیلوت علیه دهشت افگنان و تروریستان، یک اقدام و عمل جنگی است؟ ویا این که شکار مجرمان احتمالی است که تحت قانون جرایم جنائی باید با آنان معامله صورت گیرد؟ این مجرمان، به تحقیقات پولیس، خرنوال، وکیل مدافع، قاضی، محاکمه و صدور حکم نیاز دارد.

امریکائی ها خود را با هیچ کدام از این ها اذیت نمی کنند، به خاطری که آنان در جنگ علیه دهشت افگنی قرار دارند. اما این مطلب نیز تحت منازعه قرار دارد که آیا هدف قرار دادن اشخاص انفرادی در جنگ مجاز است، به خاطری که در جنگ گزینه دستگیری دهشت افگنان احتمالی نیز وجود دارد.

طیاره های بدون پیلوت، سلاح هوشمند و زیرک است اما مودیانه و جبونانه نیز است. به خاطر مسایل اخلاقی که استفاده از این سلاح را احاطه کرده است بسیار مغلق و پیچیده می باشد. اردوی المان می تواند گام متمر و به جائی را به خاطر به دست آوردن طیاره های بدون پیلوت جنگی بردارد. اما آن طیاره ها را نمی توانند به خاطر شکار دهشت افگنان استفاده کنند. المان یک کشوری است که بر اساس قانون استوار بوده و کشوری است که حکم مرگ را صادر نمی کند. پس نباید در کشتار هائی که از فاصله های دور انجام می پذیرد، دخیل شود. طیاره های بدون پیلوت می تواند در جریان عملیات محاربه ئی در میدان جنگ به حیث یک سلاح حمایتی مورد استفاده قرار گیرد.

اما هیچ کسی نباید به خود اجازه دهد تا این مفکوره را در خود القاح کند که طیاره بدون سرنشین یک سلاح انسانی و خوب است. یک طیاره بدون پیلوت با میزایل ها مجهز می باشد. به خاطری که این طیاره ها افراد را به صورت انفرادی شکار می کند، کشتار گمنامی خود را از دست می دهد. هدف و قربانی این حملات داشتن یک نام و چهره را ایجاب می کند و کاملاً جنبه و روحیه جنگ روشن می شود: یعنی جنگ به معنی از بین بردن و متلاشی ساختن انسانها.

منبع: پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" منتشره به تاریخ : ۲۰۱۲/۰۸/۱۰